گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۹۸۰۲
سه شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۲ ۱۶:۰۹

یادداشتی از دکتر محمد رضا سعیدی؛

نگاهی به تاریخ چین درعصر امپراتوران

براساس افسانه ها و اساطیر چین باستان تمدن چین توسط* پانگو* یا همان خالق عالم شکل گرفت .بر این اساس یک امپراتور فرهیخته فرهنگ برتر را در سرزمین چین بنا نهاد

به گزارش خبر، دکتر محمد رضا سعیدی، دانش آموخته تاریخ و مطالعات سیاسی واسلامی، در یادداشت ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر با موضوع "نگاهی به تاریخ چین درعصر امپراتوران" آورده است:

براساس افسانه ها و اساطیر چین باستان تمدن چین توسط* پانگو* یا همان خالق عالم شکل گرفت .بر این اساس یک امپراتور فرهیخته فرهنگ برتر را در سرزمین چین بنا نهاد .در اصل امپراتور مذکور همان بنیان گذار سلسله* شی یا* است .این سلسله از سال ۲۲۰۰ تا سال ۱۷۵۰ پیش از میلاد بر سرزمین چین فرمان رانده است

یافته های باستان شناسان در سال ۱۹۲۸ میلادی عصر برنز در استان های آنیا و خنان را مورد تأیید قرار می دهد .

جایگاه داستان های قدیمی و قصه های اساطیری در تاریخ چین باستان باعث شده است که تفکیک میان واقعیات و افسانه ها در زمان فوق بسیار سخت و دشوار باشد تا آنجا که حتی برخی از تاریخ نگاران بر این باورند که این سلسله براساس افسانه اساطیر باستانی عینیت یافته است.

اما با اکتشافات صورت گرفته در دهه های شصت هفتاد میلادی اثبات شد که سلسله* شی یا* در فاصله زمانی و دوره تکاملی میان فرهنگ های بازمانده از زمانهای قبل تا زمان روی کار آمدن سلسله شانگ در چین قدرت را در دست داشته است مهمترین اکتشاف باستانشناسی که به آن دوره نسبت داده می شود کوزه های سفالی با رنگ مشکی جلا داده شده است.

اطلاعات موجود از سلسله *شی یا *عمدتاً در داستانهای اساطیری خلاصه می.شود .بر این اساس امپراتوران *شی یا *خود را مظهر اجداد سابق سرزمین اصلی و نماد ،عدالت برتری و قدرت دانسته و خود را از سایر مردم متمایز می نمودند .در واقع نوعی تقسیم وظایف و تفکیک حقوق در میان امپراتور و مردم حاکم بوده است که در دوره های بعد امپراتوران سلسله های جدید همین روند را دنبال نموده اند

براساس نسخه های قدیمی ،موجود پیشینه تاریخ مدون مردم چین به بیش از ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) باز می گردد در آن زمان کانون تمدن و قدرت تمدن چین در سواحل جنوبی رودخانه زرد امروزی واقع شده بود. از آن زمان و طی سالهای متمادی مهاجرت و کوچ گروه ها و قومیتهای مختلف آمیزش گروههای متنوع نژادی و تلاش برای حفظ ساختارهای موجود در مقابل هجوم بیگانگان مجموعه ای متنوع از نظامهای فلسفی و فکری، هنری و نوشتاری و ساختارهای سیاسی را ایجاد کرد که مجموعه آن تمدن چین را شکل داد.

اکثر تاریخ نگاران بر این باورند ،که امپراتوران سلسله *شی یا* حدود ۳۵۰ سال بر چین حکومت کردند و این سلسله در نتیجه هجوم قبایل شورشی مناطق شمالی چین سرنگون گردید به دنبال ،آن سلسله* شانگ* از سال ۱۷۵۰ تا ۱۰۲۷ پیش از میلاد بر چین حکومت کرد در مدت بیش از هفتصد سال حکومت سلسله *شانگ *بر ،چین تحولات مهمی در این سرزمین به وقوع پیوست به همین علت عصر سلسله شانگ را طلوع تاریخ در چین نام نهاده اند .

محل استقرار اولیه این سلسله دره خنان بوده است که از آن به عنوان مهد تمدن چین یاد می شود .سلسله شانگ در مرحله بعدی حیات خود به سلسله *ین* معروف شد . اساس زندگی اجتماعی در زمان سلسله شانگ بر محور کشاورزی شکار و باغداری و نگهداری حیوانات اهلی استوار بوده است در زمان این سلسله تحولات مهمی در عصر اجتماعی چین به وقوع پیوست .

شیوه نوشتاری چین زمان سلسله شانگ ایجاد شد. براساس یافته های باستان شناسی نوشته های اولیه بر روی لاک لاک پشت و استخوانهای پهن حیوانات صورت می گرفت . یکی دیگر از اکتشافات بزرگ زمان سلسله ،شانگ کشف و استخراج برنز بوده است که تأثیر شگرفی بر تمدن چین و تغییر ساختارهای زندگی مردم به جای گذاشته است .

دیگر اطلاعات بدست امده نشان می دهد که سلسله شانگ در مناطق شمالی چین امروز مستقر و سیستم موروثی بر ساختار حکومتی آن حاکم بود.

همانطور که پیش تر گفته امد به علت تهاجمات زیاد قبایل شورشی به سر زمین اصلی از مناطق شمالی و شمال شرقی این سلسله از نیروی نظامی منظم و سربازان آموزش دیده ای برخوردار بود که همواره آمادگی لازم برای جنگ و دفاع از سرزمین اصلی خود را داشتند شهر* آنی یان* پایتخت توسعه یافته این سلسله بود که محل استقرار امپر اتور محسوب می شد.

اکتشافات به عمل آمده حاکی از آن است ،که به همراه امپراتور نوشته هایی در وصف تکریم جایگاه و مقام امپراتور مدفون می شد اعتقاد بر این بود که در مرحله و حیات بعد این نوشته ها برای بازشناسی مقام امپراتور ضروری خواهد بود .

در عصر سلسله شانگ حیات مادی و تلاش برای بهبود آن به عنوان یک اصل مهم توسط مردم پذیرفته شد و براساس تقسیم کار اجتماعی تعریف گردید و امپراتور هم وظیفه نظارت بر آن را عهده دار بود از دیگر تحولات مهم سرزمین چین در عصر ،شانگ گسترش فرهنگ و زبان واحددر سراسر سرزمین اصلی بود که نقش قابل توجهی در یکپارچگی و ماهیت تمدن امروز چین ایفا نمود.

نگاهی به تاریخ چین درعصر امپراتوران

بر اساس روایتهای موجود آخرین امپراتور سلسله شانگ حکمرانی ظالم بود که از رویه اجداد و نیاکان خود سرپیچی نمود وی به دست یکی از قبایل مرزی مناطق شمالی به نام قبیله شو سرنگون گردید با فروپاشی این سلسله فرمانروایان جدید که مرکز خود را در استان شانسی امروز بنا نهاده ،بودند به قدرت رسیدند و سلسله خود را* شو* نامگذاری کردند.

پایتخت این سلسله در هائو نزدیک شهر قدیمی شیان امروزی قرار داشت سلسله شو طولانی ترین مدت حکمرانی در چین را تجربه کرد.امپراتوران این سلسله از سال ۱۰۲۷ تا سال ۲۲۱ قبل از میلاد به مدت بیش از هشتصد سال بر سرزمین چین حکمرانی کردند.

بسیاری از اصول حاکم در جامعه آن روز در زمان سلسله شانگ نیز ادامه یافت؛ از جمله تأکید بر استفاده از زبان و فرهنگ واحد از مشخصه های این سلسله محسوب می گردد .در مدت زمان حکومت این سلسله مکاتب فکری گوناگون در چین ظهور کردند و قدرت بسیاری یافتند. براساس آموزه های فکری این دوران امپراتور قیمومت آسمانی داشت و فرزند آسمان به شمار می رفت.

بر این اساس امپراتوران به عنوان حکمران در زمین انتخاب شده بودند. عزل پادشاه به معنای آن بود که وی از مقام قیمومیت خود کنار گذاشته شده است .عدول امپراتور از وظایف خود باعث قطع قیمومیت آسمانی وی می شد .چنین استدلال می شد که فروپاشی دو سلسله قبل و طلوع سلسله جدید حکم آسمانی بود که این خود بر مشروعیت امپراتور می افزود .از مشخصه های بارز امپراتوری شو آغاز دوره فئودالی در چین بود.

آبشخور فکری نظام فئودالیته ویژه چین عمدتاً ریشه درمکاتب فکری حاکم به ویژه فلسفه کنفسیوس داشت در حقیقت بر بنیان این ،تفکر نظام ملوک الطوایفی در چین شکل گرفت. بر همین اساس تاریخ نگاران این دوران از تاریخ چین را با قرون وسطی در اروپا مقایسه می کنند.

در زمان این سلسله نظام فئودالی اولیه در چین حاکم شد که این به معنای استقرار نظامی پیشرفته تر از سیستم قبایلی بود. از ویژگیهای بارز آن می توان به جایگاه و نقش خاص شبکه فامیلی در تعریف سلسله مراتب قدرت اشاره کرد. این مسئله باعث می شد پس از مرگ یک امپراتور جانشین او فرزندان و یا از خاندان او برگزیده شوند .

با گذشت زمان و پیشرفت ساختارهای اجتماعی سیستم دولت شهری در چین شکل گرفت و دولت شهرهای مستقل تحت نظر دولت مرکزی که همان محل استقرار امپراتور بود عمل می کردند.

گسترش سیستم دولت شهری باعث رقابت آنان با یکدیگر شد و درنتیجه آنان به منظور افزایش تواناییهای خود به صنعت توجه بیشتری نمودند. از این روی چین در این دوران رشد محسوسی را تجربه کرد و علاوه بر ،صنعت نهادهای سیاسی و اقتصادی نیز بالندگی بیشتری یافت و سیستم اخذ مالیات از بخش کشاورزی به عنوان یکی از منابع درآمد اصلی دولت شهرها سامان یافت و نهادینه شد.

سال ۷۷۱ قبل از میلاد نقطه عطفی در تاریخ سلسله شو محسوب می.شود طی آن سال هجوم گسترده قبایل شورشی از مناطق شمال و شمال غربی باعث تضعیف دولت شهر مرکزی گردید. مرگ امپراتور در آن سال سبب گردید که سلسله شو به مناطق شرقی چین کوچ نماید و در منطقه هنان امروزی مستقر گردد .

به همین منظور تاریخ نگاران دو مرحله را برای این سلسله قابل تعریف می دانند. مرحله اول دوران امپراتوران شوی غربی از سال ۱۰۲۷ تا سال ۷۷۱ قبل از میلاد و مرحله دوم به قدرت رسیدن امپراتوران شوی شرقی از سال ۷۷۱ تا ۲۲۱ قبل از میلاد قابل بررسی می باشد.

همچنین تاریخ نگاران در خصوص سلسله شوی شرقی نیز قائل به دو دوره مستقل هستند ؛یکی از سال ۷۷۱ تا ۴۷۶ قبل از میلاد که تحت عنوان دوره" بهار و پاییز "معروف می باشد و دوران شکل گیری مکاتب مختلف فکری و عصر طلایی تفکر و کامیابی فرهنگی نامیده می شود و دیگری از سال ۴۷۵ لغایت ۲۲۱ قبل از میلاد است که به آن دوره جنگ ایالتها اطلاق می شود .

در دوره بهار و پاییز سرزمین چین دستخوش جنگهای داخلی بود از همین روی محور فعالیت ها و تلاش امپراتوران شو اصلاح سیستم حکومتی به منظور کنترل دولت شهرهای گوناگون چین بود .چرا که هر یک از این دولت شهرها می کوشیدند سهم بیشتری از قدرت را به دست آورند.

رقابت میان آنان برای غلبه بر یکدیگر باعث گردید تا آنان در پی ایجاد سیستم حکومتی قوی و ارتش های مدرن و وفادار باشند که این خود توجه به رونق بازرگانی و تجارت برای امنیت بخشیدن به تحولات مورد نظر حکمرانان را در پی داشت. در این راستا استفاده از مأموران دولتی متفکر و ایجاد سیستم دیوان سالاری برای تحقق اهداف فوق مورد توجه فرمانروایان قرار گرفت.

بدین ترتیب توجه به مکاتب مختلف فکری از سوی حکمرانان و رقابتی که میان پیروان این مکاتب برای گذراندن امتحاناتی که برای استخدام در دستگاههای دولتی در جریان بود سبب گردید در اواخر دوران بهار و پاییز و اوایل دوران جنگ ایالتها مکاتب متعدد فکری و فلسفی در چین رشد نمایند که رقم آنها بیش از یکصد مکتب مهم بود.

از این مکاتب آثار کلاسیک زیادی به جای مانده است گسترش مکاتب فکری و به دنبال آن ازدیاد پیروان این مکاتب از یک سو ومحدودیتهای دستگاه حاکمه در به کارگیری آنان از سوی دیگر سبب گردید بسیاری از بزرگان این مکاتب به عنوان معلمان دوره گرد به شغل معلمی و آموزش اصول خود ، مردم بپردازند سرآمدان این مکاتب نیز به عنوان مشاوران امپراتور و یا در دولت شهرها به عنوان مشاوران فرمانروایان محلی در امور مختلف کشورداری دیپلماسی و جنگ به خدمت گرفته می شدند.

این مکاتب بعدها در قالب شش مکتب بزرگ تجلی نمودند که حیات اجتماعی چین باستان و حتی بسیاری از تحولات چین امروز در قالب این شش مکتب قابل نقد و بررسی است و حتی میزتوان اذعان داشت که بدون توجه به آنها شناخت تحولات چین میسر نیست .

یکی از این مکاتب مکتب "کنفسیوس" است . تعریف کنفسیوس از جامعه ایده آل و نظم ،سیاسی باعث تحول عظیم در تاریخ اندیشه چین گردید. او معتقد بود که جامعه زمانی خوب عمل می کند که هرکس وظیفه تعیین شده خودش را به خوبی انجام دهد. از جمله های معروف وی این است که" اجازه دهید امپراتور حاکم باشد و مردم رعایا و البته امپراتور باید فرهمند و پرهیزکار باشد" و در واقع این نکته ای است که در بررسی زندگی اجتماعی امروز مردم چین نیز کاملا عینیت دارد .

از" تائوئیسم" به عنوان دومین جریان فکری در چین در زمان سلسله شو می توان نام .برد این جریان فکری به جای توجه به انسان به طبیعت انسان توجه می کند. براساس آموزه های آن غایت انسان آن است که بتواند رفتار شخصی و روحی خود را براساس دنیای طبیعی و فراطبیعی با پیروی از راه یا هستی خود هماهنگ نماید.

جریان فکری دیگری در زمان سلسله شو رشد کرد مکتب "یین - یانگ "و پنج عنصر ،آب ،آتش ،چوب فلز و زمین بود که براساس تعریف ،آن تمام پدیده ها میان دو نقطه یین یعنی ،تاریکی ،سردی منفی و ،مؤنث در مقابل یانگ یعنی ،روشنی ،گرمی مثبت و مذکر تعریف می شد

مکتب دیگر" مزی" نام داشت که براساس آن همه مردم در نگاه آسمانی با هم برابر و با دوست داشتن همدیگر قادر بودند به مراحل بالاتر برسند در این دکترین اتحاد فکر و عمل برای تحقق اهداف اجتماعی ضروری است پیروان این مکتب به رفاه اعتقاد نداشتند و بر خلاف کنفسیوسیسم که روی آیین و تشریفات و موسیقی تأکید داشت معتقد بودند که مردم باید از حاکم پیروی کنند و حاکم نیز باید شیوه آسمانی را بر روی زمین اجرا کند.

جریان دیگر "قانون گرایان "بودند که از مکتب کنفسیوس توسط *شون زی *مشتق شده بود. این مکتب بر اساس یک رشته قوانین سخت حقوقی تعریف می شد که مملکت داری را آسان می نمود به همین خاطر از سوی امپراتوران سلسله های مختلف مورد توجه قرار گرفت به عبارت دیگر کنفسیوسیسم و قانون گرایی هر دو در پی ایجاد اتحاد در سرزمین اصلی ،بودند ولی رهیافت های آنان برای تحقق این امر متفاوت بود.

کنفسیوسیسم بر فضیلت و نظم طبیعی امور تأکید داشت در حالی که قانون گرایان بر قوانین تعریف شده تأکید می کردند . براساس آموزه های قانون گرایان ایجاد نیروهای امنیتی مخفی و خبررسانی همسایگان از یکدیگر به دستگاه حکومتی و همچنین ایجاد محیط ترس و اضطراب مورد توجه دستگاه حکومتی بود.

نکته بارز و مشخصه تمام این مکاتب تعریف جایگاه حاکم و امپراتوران به عنوان نمایندگان الهی و نیاکان و لزوم پیروی و اطاعت مردم از امپراتور می باشد که در عین حال وظایف تعریف شده ای نیز در چارچوب ایجاد عدالت و دادگستری برای امپراتور منظورمی شد.

طی دوره بهار و پاییز یا دوره جنگ ایالت ها در نزد هر یک از امپراتوران یکی از مکاتب ششگانه فوق برتری می یافت و او اصول آن مکتب را به عنوان شیوه حکومتداری خود می پذیرفت. به این ترتیب ساختار حکومت آن امپراتور تحت تأثیر مکتب فکری مذکور قرار می گرفت.

این اندیشه ها به مرور نه تنها به عنوان اصول حکومتداری بلکه به عنوان اصول زندگی اجتماعی مردم در چین تثبیت شد و حتی در بررسی چین امروز نیز، ویژگیهای اجتماعی بدون توجه به اصول فکری فوق میسر نمی باشد ادبیات سیاسی جامعه چین در دوره جنگ ایالتها همانند دوره بهار و پائیز است.

در ابتدای دوره جنگ ایالت ها به علت محدودیت توان نظامی دولت شهرها معمولاً جنگها یک روزه بود از این روی آنها را به جنگهای ناپلئونی تشبیه می کنند .با افزایش این مخاصمات و به تبع آن افزایش توان استراتژیک دولت شهرها جنگهای طولانی مدت در گرفت به گونه ای که برخی تعداد نیروهای نظامی طرفهای درگیر در جنگهای اواخر این دوره را تا نیم میلیون نفر نیز روایت کرده اند

از دیگر ویژگیهای دوره بهار و پاییز و دوره جنگ ایالتها استفاده وسیع از آهن برای ساخت ابزارآلات نظامی و کشاورزی بود که باعث رشد و توسعه قابل توجه جامعه چین آن روز شد. همچنین در عرصه خدمات اجتماعی نیز تحولات عظیمی رخ داد.

ساخت سیل بند ایجاد پروژه های آبیاری و حفر ،کانال ساخت دیواره های متعدد در اطراف شهر به منظور جلوگیری از هجوم مهاجمان شمالی و همچنین ایجاد اشتغال از دیگر بارزه های این دوران محسوب می شود .از تفاوتهای سلسله شو با سلسله ،شانگ حذف سنت قربانی کردن انسان بود. در زمان سلسله شو برخلاف سلسله قبل استخراج و بهره برداری از برنز کاهش چشمگیری داشت

به قدرت رسیدن سلسله چین نقطه عطفی در تاریخ چین محسوب می گردد. در پایان دوره سلسله شو و در دوره جنگ ایالتها جنگهای خونینی میان دولت شهرهای چین در گرفت در نهایت یکی از بزرگترین و پرقدرت ترین ایالت ها در غرب این کشور به نام چین بر سایر دولت شهرها غلبه یافت سلسله چین عامل ایجادوحدت در میان کلیه ایالتهای چین شد و تصویر و نام امروز چین نتیجه تلاش امپراتوران این سلسله قلمداد می شود .

این سلسله از سال ۲۲۱ قبل از میلاد تا سال ۲۰۶ میلادی قدرت را در دست داشت و همچنان که ذکر شد نام چین از نام این سلسله مشتق می گردد. اولین امپراتور چین توانست تمام ایالات دیگر را فتح نماید و چین را کاملا متحد سازد.

وی عنوان *شی هوانگ دی *یعنی نخستین امپراتور را بر خود گذاشت اتحاد چین تنها در وحدت سرزمینی ارضی خلاصه ،نگردید بلکه اقدامات مختلفی از سوی امپراتور جدید صورت گرفت؛ از جمله یکسان نمودن قانون در سراسر سرزمین ،اصلی ایجاد سیستم دیوان سالاری ، متمرکز ضرب سکه متحد نمودن خط و ساختار نوشتاری از دیگر اقدامات وی بود.

این سلسله مکتب قانون گرایان را به عنوان روش دیوان سالاری دولتی خود برگزید و مخالفین این نگرش را سرکوب نمود چنان که بسیاری از اندیشمندان مخالف مکتب قانون گرایی را به هلاکت رساند و کتاب های آنان را سوزاند در دکترین قانون گرایان انسان موجودی خودخواه و اصلاح ناپذیر است از این روی تنها راه ایجاد نظم در جامعه تحمیل قانون از طبقات بالای جامعه و سیستم حکومتی به سایر مردم میباشد.

از دیگر اقدامات امپراتوران ،چین گسیل سربازان آموزش دیده به مناطق شمالی و جنوبی چین به منظور جلوگیری از هجوم مهاجمان اقوام دیگر بود همچنین آنان برای حفظ سرزمین اصلی از هجومهای پی در پی ،بربرها استحکامات و دیوارهای به جای مانده از دوره جنگ ایالت ها را به هم متصل .نمودند با این کار دیوار بزرگی از مناطق شمال شرقی و ایالت خی لانگ جیانگ به سمت شمال غربی کشیده شد.

هر چند امپراتور اول و بنیانگذار این سلسله پس از ده سال جهان را وداع گفت. اما در همین مدت او توانست تمام خاک اصلی چین را متحد سازد. بعد از مرگ وی هیچ سلسله دیگری در چین نتوانست به چنین گستره سرزمینی دست یابد.

از این روی این سلسله الگویی شد برای سایر امپراتوران سلسله های آتی که بتوانند تمام سرزمین اصلی را به صورت یکپارچه حفظ نمایند.از دو علت به عنوان عامل پیروزی و موفقیت امپراتور سلسله چین سخن به میان می آید یکی تکیه بر مکتب قانون گرایی و دیگری برخورداری بسیار از ،آهن فلزی که در سطح وسیعی از آن برای ساخت تجهیزات جنگی استفاده شد.

منابع :

تاریخ فرهنگ و تمدن چین

اژدهای شکیبا ؛ چین دیروز، امروز و فرد

تفکر چین باستان و قدرت چین مدرن

تاریخ تفکر سیاسی چین